

گنادی زوگائف:

جهان در خطر هرج و مرج



در ۲۲ سپتامبر، قبل از جلسه عمومی دومای دولتی گنادی زیوگائف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه، رئیس فراکسیون حزب کمونیست در دومای دولتی، خطاب به خبرنگاران سخنرانی کرد. «خط قرمز RedLine» متن سخنرانی او را منتشر می‌کند. سخنان زیوگائف هم زمان بود با هفتاد و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک که با شرکت سران حدود ۱۲۰ کشور از ۲۲ سپتامبر آغاز شد.

۷۵ سال از روزهایی می‌گذرد که استالین، پس از پیروزی ارتش سرخ در مه ۱۹۴۵، همراه با روزولت و چرچیل، رئیس مسایل آینده جهان و ساختار دولت را تعیین کرد. ایجاد سازمان ملل متحد پدیده‌ای فوق‌العاده مهم بود که برای دهه‌های طولانی امکان نجات جهان، در درجه اول از یک فاجعه هسته‌ای را فراهم کرد.

اما من می‌خواهم نکته اصلی را در سخنرانی پوتین و همه سخنرانانی که از این جایگاه بلند نظرات خود را بیان می‌کنند، بشنوم. دنیا دارد به دوره‌ای از هرج و مرج کشانده می‌شود! حتی آخرین گزارش دویچه بانک، نیز اشاره دارد که برای محافظت همه ما در برابر این هرج و

مرج باید کارهای زیادی انجام شود.

سرمایه داری و جهانی سازی آمریکایی دنیا را نجات نخواهد داد. سه سناریو برای سیاست جهانی وجود دارد. یکی از این سناریوها در کتاب «جهانی سازی و سرنوشت بشریت» من منتشر شده، که هدف آن متعادل سازی منافع است.

حزب ما و تعدادی از دانشمندان برجسته ما (از جمله آکادمیسین کوپتیوگ) در ژوئن ۱۹۹۲ در کنفرانسی در ریودوژانیرو شرکت کردند. ما قطعنامه‌ای در مورد تعادل در روابط بین کشورها را معرفی کردیم. اما آمریکایی‌ها تنها کسانی بودند که از حمایت از این قطعنامه که توازن منافع را تضمین می‌کند، امتناع کردند. آنها گفتند: «ما میزبان اصلی هستیم.» و تصمیم گرفتند که برنامه جهانی سازی به سبک آمریکایی را اجرا کنند.

آمریکایی‌ها معتقد بودند که ترور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شوروی و فرصتی که برای تغذیه از منابع عظیم و بازارهای ما به دست آورده‌اند، به آنها این حق را می‌دهد که شرایط خود را به همه دیکته کنند. اما سرمایه‌داری آمریکاییزده شده در روسیه فقط ۱۷ سال دوام آورد. ایالات متحده با نابودی یک کشور و تغذیه از منابع عظیم آن، برای مدتی بحران شدید خود را به تأخیر انداخت. اما در سال ۲۰۰۸ بحران اقتصادی این کشور آغاز شد و پس از آن بحران تقریباً ۲۰ کشور دیگر جهان را گرفتار کرد.

بار دیگر، این بحران در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ تکرار شد. و در نتیجه آن، اکنون جهان با خطر جنگ مواجه شده که عملاً نشانه‌هایش را در اطراف مرزهای مان می‌بینیم. این واقعیت که انگلیسی‌ها ۲۸ هواپیما را در مرزهای ما دائماً در حال پرواز دارند و مانع زندگی و خواب آرام ما می‌شوند، این موضوع را نشان می‌دهد.

بمب‌افکن‌های آمریکایی ناتو در حال گشت‌وگذار در آسمان ریدینو اوکراین هستند. نازی‌ها، باندرها، مرتجعین لهستانی در کشور برادر ما بلاروس به اغتشاش دست زده‌اند.

آمریکایی‌ها معتقد بودند که ترور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شوروی و فرصتی که برای تغذیه از منابع عظیم و بازارهای ما به دست آورده‌اند، به آنها این حق را می‌دهد که شرایط خود را به همه دیکته کنند. اما سرمایه‌داری آمریکاییزده شده در روسیه فقط ۱۷ سال دوام آورد.

من می‌خواهم پوتین سخترانی خود را در مونیخ به یاد بیاورد که صریحاً گفته بود که ما در پی منافع ملی خویش هستیم و امنیت خود را تضمین خواهیم کرد. ما قانونی تصویب خواهیم کرد که طبق آن حتی درخواست شفاهی برای تجزیه خاک روسیه مجازات کیفری خواهد داشت. در واقع، این قانون باید مدت‌ها پیش تصویب می‌شد.

اما باید کاملاً درک شود که جهانی‌سازی آمریکایی منجر به جنگی بزرگ می‌شود که تهدیدی برای همه و از جمله خود آمریکایی‌ها خواهد بود.

اگر به نحوه سازماندهی مبارزات انتخاباتی در ایالات متحده نگاهی بیندازید، می‌بینید که برای اولین بار در ۲۰۰ سال تاریخ آمریکا، دو حزب قادر به توافق در مورد برنده انتخابات نیستند. دموکرات‌ها پیش از این گفته بودند که پیروزی ترامپ را به رسمیت نمی‌شناسند. و ترامپ هم گفته رای دیوان عالی کشور نیز در این زمینه چندان مؤثر نیست. و این بدان معناست که در کشوری که ۳۳۰ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند و تقریباً ۴۰۰ میلیون تنگ در دست مردم است، ممکن است پس از انتخابات نوامبر، با یک بحران جدی روبرو شود. اما این بحران به ناچار به بسیاری از کشورهای دیگر گسترش خواهد یافت.

هم‌زمان، آمریکایی‌ها دشمن شماره یک خود را حزب کمونیست چین اعلام کرده‌اند. آنها قادر به کنار آمدن با چین به عنوان یک کشور نیستند. و آنها می‌دانند که این حزب کمونیست چین بود که کشور را به اوج رشد و ترقی رسانده است. چین ۲۰ درصد از تولید جهان را تولید می‌کند. چین به قدرتی قابل مقایسه با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبدیل شده است. توانایی‌های فدراسیون روسیه قابل مقایسه با چین نیست. هر چند در روسیه، اختراعات و مجتمع‌های نظامی - صنعتی از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باقی مانده‌اند که پوتین هم به ویژه در روز ارتش از آن یاد کرد؛ اما همه اینها محصولات دوران شوروی است: طرح همه

من می‌خواهم پوتین سخترانی خود را در مونیخ به یاد بیاورد که صریحاً گفته بود که ما در پی منافع ملی خویش هستیم و امنیت خود را تضمین خواهیم کرد. ما قانونی تصویب خواهیم کرد که طبق آن حتی درخواست شفاهی برای تجزیه خاک روسیه مجازات کیفری خواهد داشت. در واقع، این قانون باید مدت‌ها پیش تصویب می‌شد.

این سلاح‌های مدرن قبلاً توسط متخصصین اتحاد شوروی انجام شده بود. ماسلیوکوف و پریماکف موفق شدند همه اسناد و مدارک تحقیقات علمی دوران شوروی را در دهه ۹۰ حفظ نمایند. ما از این صنعت حمایت کردیم، به طور منظم به بودجه آن رأی دادیم، که به کشور ما اجازه می‌داد سپر دفاعی نسبتاً قابل اعتمادی داشته باشد. اما این سپر اکنون کافی نیست. یک بار دیگر، من می‌خواهم به رئیس جمهور و شورای امنیت ملی، اهمیت «هسته قدرت روسیه» را یادآوری کنم. روس‌ها از سال ۱۹۹۱، ۲۰ میلیون نفر و اوکراین ۱۱ میلیون نفر را از دست داده است. ما همچنان می‌میریم و زمین‌هایمان بایر و خشک می‌شود. در اکثر مناطق روسیه امسال نیز با کاهش جمعیت مواجهیم، با تقلیل جمعیت تمامیت کشور نمی‌تواند حفظ شود.

حمله شدیدی که به بلاروس صورت گرفته است، به معنای تضعیف ثبات همه ما است. نه کریمه، نه پل ارتباطی و نه هیچ چیز دیگری به حل این معضل عظیم کمک نمی‌کند. بنابراین، اکنون عزم ما باید مقدم بر هر چیز، حمایت از جهان روس - روسیه بزرگ، روسیه کوچک، و بلاروس - باشد. باید به بحث و جدال در کانال‌های تلویزیونی که از صبح تا شب به تحقیر برادران تاریخی ما مشغولند، خاتمه دهیم.

یک روز پیش، ۶۴۰ سال از نبرد افسانه ای کولیکوو گذشت. پایه‌های دولت روسیه در زمین کولیکوو گذاشته شد. من حتی یک کلمه در مورد این موضوع در هیچ یک از کانال‌های تلویزیونی نشنیده‌ام. اگرچه این یک واقعه مهم در تاریخ ما است. هفت جنگ بزرگ بقای ما را تضمین کرد.

کسانی که معتقدند الیگارشی به یکپارچگی دولت روسیه اهمیت می‌دهد، سخت در اشتباه‌اند. صد و چهار میلیارد روس حتی نمی‌خواهند مالیات عادی بپردازند. در حالی که بخش اعظم ثروت آنها از غارت بودجه مردم ما حاصل شده است. آنها تقریباً ۱۰۰ میلیارد دلار را از طریق کانال‌های غیرقانونی در دوران شیوع کرونا از کشور خارج کردند. رقمی معادل هفت و نیم تریلیون روبل.

اما من، هم توجه پوتین، و هم شورای امنیت را به این نکته جلب می‌کنم که همه این شوراها، لیبرال و بازماندگان دوران یلتسین - در حال حاضر در مقابل اوضاع وخیم بحران،

پیشنهاد حفاری در میدان سرخ، را می‌دهند. به عنوان مثال سیلوانوف (وزیر دارایی و معاون اول نخست وزیر)، چه کاری انجام می‌دهد؟ وی به جای تهیه بودجه کامل، پیشنهاد کرد بودجه‌های عمومی کاهش یابند. این غیر قابل قبول است! اول از همه، کاهش بودجه بهداشت غیر قابل قبول است. کاهش ۲۵۳ میلیاردی! آن هم در کشوری که در خطر مرگ قرار دارد. آنها پیشنهاد می‌کنند که بیماران داروی مورد نیاز خود را به قیمت ۱۲ هزار روبل برای هر بسته خریداری کنند. و برای درمان، حداقل به سه بسته نیاز است، یعنی جمعاً ۳۶ هزار روبل. چند نفر در کشور توانایی پرداخت این مبلغ را دارد؟

آنها به مردم توصیه می‌کنند تا فرق سر در وام غرق شوند. اما اگر ۱۳ تریلیون روبل در صندوق رفاه داریم، چرا باید قرض بگیریم؟ در حالیکه ۶۰۰ میلیارد دلار هم در صندوق ذخیره ارزی وجود دارد. یعنی ۳۸ تریلیون روبل دیگر. شما سه بودجه زیر میزی دارید، اما نمی‌توانید پولی برای حمایت از روستا و تأمین هزینه تولید ماشین آلات کشاورزان پیدا کنید. نیازی به ذکر صنایع الکترونیک نیست که بدون آن هواپیماهای نظامی پیشرفته ما به زودی قادر به پرواز نخواهند بود.

دیگر چه فرمایشی دارند؟ سیلوانوف پیشنهاد وام از خارج را می‌دهد. وام چیست؟ یعنی نسل‌های آینده را دریایی از قرض فرو بردن. چقدر؟ ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی! این یعنی چی؟ این بدان معناست که امسال همه شما ۹۰۰ میلیارد روبل قسط وام پرداخت خواهید کرد. و طی دو سال نیز یک تریلیون ۶۰۰ میلیارد دیگر باید قسط آنها را پرداخت کنید. فرزندان شما در این بدهی‌ها غرق خواهند شد.

من همچنین می‌شوستین (نخست وزیر) را یادآوری می‌کنم. آنها به راحتی با چنین سیاست مالی و اقتصادی پوسیدگی را گسترش می‌دهند. این کاملاً غیر قابل قبول است.

آقای کودرین (رئیس کمیسیون حسابداری) چه می‌کند؟ دیروز او پیشنهاد فروش صنایع بیشتری را داد. آقای کودرین، شما قبلاً با چوبایس (رئیس سازمان خصوصی سازی در زمان

دیگر چه فرمایشی دارند؟ سیلوانوف پیشنهاد وام از خارج را می‌دهد. وام چیست؟ فرزندان شما در بدهی غرق خواهند شد.

یلتسین) کلی از صنایع را فروختید، اما از این فروش ها چه بدست آوردید؟ شما میلیاردیهایی دارید که نمی خواهند مالیات عادی بپردازند. شما ۸۰ هزار صنعت و بنگاه اقتصادی را نابود کرده اید، اکنون هیچ چیز به درد بخوری ندارید. شما طی این سالها حتی تلفن خود را تولید نکرده اید. همه شما یک جاسوس آمریکایی در جیب خود دارید. پس شما چه پیشنهادی دارید؟ چه چیز دیگری را می خواهید بفروشید؟

شما قبلاً تقریباً تمام شبه جزیره تایمیر در سبیری را زیر آب غرق کردید. ضرر و زیان این حادثه ۱۸۰ میلیارد روبل بود. ۵۰ سال طول می کشد تا این خسارت جبران شود. با پیشنهاد شما جنگل ها به حراج رفت، و اکنون آنها از ولگا تا شرق دور، بطور شبانه روزی در حال سوختن هستند. امسال جنگل هایی با مساحت برابر اتریش در آتش سوختند.

و فردا چگونه نخبگان خود را «پرورش» می دهید، که همین حالا نیز چشم دیدن هیچ چیز روسی را ندارند؟

آقای ژیرینوفسکی (سیاستمدار راستگرا و رهبر حزب لیبرال دموکرات) چه پیشنهادی می دهد؟ وی پیشنهاد حفاری میدان سرخ و بنای یادبود کرملین را می دهد، محل دفن سی مارشال و ژنرالی که پیروزی ما در جنگ کبیر مهبینی را رقم زدند. او این پیشنهاد را در ۷۵ مین سالگرد پیروزی ما می دهد؛ سال بزرگداشت لنین که کل کره زمین آن را گرامی می دارد.

با چنین پیش زمینه ای، ما در حال حذف به وسیله یک سیستم سیاسی جدید هستیم. بازی گرانی که در دفاتر کرملین نشسته اند. آن احزابی که در سی سال گذشته به سیاست شکل داده اند، دیگر مورد توجه آنها نیست. پس به چه چیزی علاقه دارند؟ مالیه و کاهش بودجه مسایل مورد توجه آنها است. آنها چقدر پول در این مبارزات انتخاباتی کثیف ریخته اند تا آنرا به گند بکشانند؟ بگذارید حالا حساب کنند.

آقای پوتین؛ این اوضاع موجب تضعیف ثبات کشور است. زیرا تعادلی که بین نیروهای میهن دوست مردمی و لیبرال ها به وجود آورده اید، اکنون در مقابل چشمان ما در حال فروپاشی است. این وضعیت باید توسط شورای امنیت و دولت ارزیابی شود. در این صورت می توان اقدامات جامعی انجام داد. تجربه شوروی را در نظر بگیرید! حتی پس از جنگ داخلی، نوسازی لنینیست استالینیست کشور را به اوج رساند. پس از جنگ داخلی، آنها با قزاق ها

آشتی کردند، در دهه ۱۹۳۴-۱۹۳۵، هنگ‌های قزاق دوباره احیا شدند. با کسانی که سلب مالکیت شده بودند و کشیش‌ها آشتی کردند. با کسانی که به خارج از کشور رفتند نیز صلح کردیم. و در ماه مه سال ۱۹۴۵ درها به روی همه باز شد. به آنها گفته شد «بیایید! کار کنید و کشور را آباد کنید!» امروز وضعیت از سال ۱۹۴۱ بدتر است. زیرا در آن زمان ما همه متحد بودیم. لذا پیروزی را کسب کردیم. بنابراین ما باید براساس این پیروزی‌ها کار کنیم. آنگاه نوبت پیروزی‌های جدید فرا می‌رسد. برای ما جهانی‌سازی آمریکایی و سرمایه‌داری جنایتکار چاره کار نیست. ما به آن سیاست میهن‌دوستانه مردمی نیاز داریم که حزب ما پیشنهاد می‌دهد. دیروز ما نتایج را در یک مجمع مهم حزبی جمع‌بندی کردیم. هزار نفر در آن شرکت کردند. ما اظهارات و ارزیابی‌های خود را برای همه اعضای شورای امنیت، فرمانداران و رؤسای مجامع قانون‌گذاری ارسال کردیم.

اکنون زمان عمل در مقابل این حقایق است. ما باید با هم یک تصمیم مسئولانه اتخاذ کنیم. اگر بودجه سیلوانوف را تصویب کنیم، وضعیت کشور غیر قابل کنترل خواهد شد. همین الان هم کنترل بسیار مشکل است. نیمی از جمعیت با ۷ دلار در روز زندگی می‌کند. و نیمی دیگر نمی‌دانند چگونه زندگی خود را تأمین کنند. تقریباً در حال حاضر هر شرکت در حال اخراج نیروی کار است. در سال‌های اخیر بیکاری ۵ برابر شده است. ما باید به اقداماتی فوری دست بزنیم».

آقای پوتین؛ این اوضاع موجب تضعیف ثبات کشور است. زیرا تعادلی که بین نیروهای میهن پرست مردمی و لیبرال‌ها به وجود آورده‌اید، اکنون در مقابل چشمان ما در حال فروپاشی است... تجربه شوروی را در نظر بگیرید! پس از جنگ داخلی... آنها با قزاق‌ها آشتی کردند، در دهه ۱۹۳۴-۱۹۳۵... با کسانی که سلب مالکیت شده بودند و با کشیش‌ها آشتی کردند. با کسانی که به خارج از کشور رفتند نیز صلح کردیم. و در ماه مه سال ۱۹۴۵ درها به روی همه باز شد. به آنها گفته شد «بیایید! کار کنید و کشور را آباد کنید!» امروز وضعیت از سال ۱۹۴۱ بدتر است. زیرا در آن زمان ما همه متحد بودیم. لذا پیروزی را کسب کردیم. بنابراین ما باید بر اساس این پیروزی‌ها کار کنیم. ... برای ما جهانی‌سازی آمریکایی و سرمایه‌داری جنایتکار چاره کار نیست. ما به آن سیاست میهن‌پرستانه مردمی نیاز داریم که حزب ما پیشنهاد می‌دهد.